

خبر کوتاه

از معرفت بگاه و بر التماس ییفا!

همسر مرحوم پورحیدری اخیرا جملاتی به زبان آورده که به معنای واقعی کلمه تکان‌دهنده و شرم‌آور است.
فریده شجاعی در مورد مطالبات معوق و بر زمین مانده منصورخان گفته: «پنج سال است چهارصدوسی میلیون تومان از باشگاه می‌خواهیم که نمی‌دهند. به تازگی هم گفته‌اند دویست میلیون تومان از این مبلغ خرج درمان منصور شده و کل طلب ما دویست‌وسی میلیون است!» این یعنی اگر فلان بازیکن پیزیوری و نیمکت‌نشین مصدوم می‌شود، باشگاه برای اینکه مثلا به او نیاز دارد صفر تا صد مخارج درمانش را می‌دهد، اما بزرگترین اسطوره تیم که خانه سال‌ها بعد از مرگ باید پول درمان ناموفقش را هم خودش بدهد. این رسم مرام و معرفت ما ایرانی‌هاست؛ ما که به طعنه در مورد خودمان می‌گوییم «پهلوان زنده را عشق است.» خدا آخر عاقبت ما و بچه‌های‌مان را به خیر کند؛ با این همه قدر ندانستن و نمک‌نشناسی، بیخود نیست که این روزها سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. کسر دویست میلیون از مطالبات «پدر استقلال» در شرایطی انجام می‌شود که باشگاه این اواخر همیتطور بی‌بروه و مکرر در حال هزینه کردن برای «وبال استقلال» بود؛ آندرا استراماچونی که به خاطر چند روز تاخیر در دریافت حقوقش، یکطرفه فسخ کرد و رفت، بعدا پنجاه هزار یورو بیشتر گرفت، هزینه وکیل بابت همین فسخ یکطرفه را هم روی استقلال دایورت کرد و بعد هم انواع و اقسام توره‌ای ترکیه و ایتالیا و قطر برای التماس به استاد راه افتاد؛ بلکه دلش نرم شود و برگردد! خداوکیلی همین تور چهار روزه آخر در دوحه، چقدر خرج داشت؟ پول سفر نمایندگان باشگاه به اضافه هزینه حضور وکلای استرا در قطر؛ چقدر شد؟ چقدر پای این التماس مکرر و بی‌فایده ریختید، آبروی‌تان رفت و نتیجه هم نگرفتید؟ یعنی این ریخت‌وپاش، از پول حرص و آمپول اسطوره باشگاه مهم‌تر بود؟ تازه آن وفادار نجیب که خودش به وقت ایتموفتش این پول‌ها نبود و فقط برای حفظ و رشد این برند خرج می‌کرده؛ کاش حالا که خانواده‌اش نیاز دارند، اینطور آشکار بی‌صفتی و کج‌مهری‌تان را فریاد نمی‌کردید.

استراماچونی به خاطر هشت برد لایق این همه تمنا شد و منصورخان با وجود آن همه جام و عنوان داخلی و آسیایی برای استقلال، چند سال بعد از مرگش هنوز باید «فاکتور مخارج» دریافت کند؛ هزاران افسوس.

چرا سرمربی ایتالیایی جانشین استراماچونی نشد؟

غروب دوازدهم دی ماه پایان فرصت باشگاه استقلال تهران به آندره آ استراماچونی بود. سرمربی ایتالیایی ۲۵ روز پس از خداحافظی از هواداران و فسخ قرارداد یکطرفه خود و دستیاراش پاسخ واضحی به درخواست باشگاه استقلال نداد تا به صورت رسمی مشخص کند با تداوم وضعیت مدیریتی در باشگاه علاقه‌ای برای بازگشت ندارد.

تلاش مدیران باشگاه استقلال برای بازگشت استراماچونی به ایران از چند روز پیش با سفر رحمان رضایی و اسماعیل خلیل زاده به دوحه برای ملاقات با علی خطیر و وکیل سوئیس باشگاه در ملاقات با وکیل که پاسنولا، مدیر برنامه استرا معرفی کرده بود، از سر گرفته شده و پیش بینی می‌شد با دخالت رضایی تکاپوی آنها با نتیجه خوشحال‌کننده‌ای برای هواداران همراه باشد که در نهایت اینطور نشد. شش روز پس از پیام اینستاگرامی فرهاد مجیدی به هواداران استقلال و رد پیشنهاد مدیران برای حضور روی نیمکت، این سرمربی ۴۳ ساله در خروجی جلسه هیات مدیره که روز گذشته برگزار شد با قراردادی به مدت یک فصل و نیم هدایت آبی پوشان را برعهده گرفت تا در حالیکه شایعات فراوانی پیرامون نیمکت بحران رده از بین اسامی مربیان داخلی و خارجی، سرمربی موقت بعد از اخراج وینفرد شفر تنها در یک سال پس از جدایی یک سرمربی خارجی دیگر وظیفه سرمربیگری این تیم را برعهده بگیرد.

یکی از گزینه‌های سرشناس که در بین ضرب الاجل‌های استقلال به یکبارہ مطرح شد جیانی دی بیاسی بود. سرمربی ایتالیایی-آلبانیایی که در کارنامه سرمربیگری‌اش افتخار صعود به اولین تورنمنت موفق با تیم ملی آلبانی در مسابقات ساله ۲۰۱۶ را در کارنامه دارد. این سرمربی ۶۳ سوه که سابقه بازی در اینترمیلان، پالرمو و برشا را در کارنامه حرفه‌ای خود دارد در سال ۱۹۹۰ وارد عرصه مربیگری شده و سابقه مربیگری در ایتالیا با تیم‌های اسپال، برشا، تورینو و اودینزه را دارد و پیش از اینکه به مدت ۶ سال هدایت تیم ملی آلبانی را داشته باشد به مدت دو فصل در تیم‌های الاوس و لوانته حضور داشت.

نیکو شیرا خبرنگار ایتالیایی که طی چند وقت اخیر اخبارش پیرامون وضعیت استراماچونی صحت داشت، روز گذشته اعلام کرد که اسماعیل خلیل زاده و علی خطیر به دی بیاسی پیشنهادی تا سال ۲۰۲۱ به ارزش ۱.۵ میلیون یورو را ارائه کردند اما با مخالفت وزارت ورزش و مسعود سلطانی فر مواجه شد. با وضعیت همکاری گابریل کالدرون و پرسپولیس، جدایی مارک ویلموتس از تیم ملی فوتبال و داستان ناتمام تیم موفق استقلال با آندره آ استراماچونی، همانطور که در ابتدای فصل گفته شد، وزارت ورزش تمایل داشت با سرمربی ایرانی روی نیمکت استقلال به عنوان جانشین سرمربی اسبق اینترمیلان حضور داشته باشد تا دوباره به محض تعویق پرداخت حقوق‌ها مشکلی سد راه این تیم نباشد. البته این فرضیه موجود است که اگر مجیدی نتواند در مسابقات پیش رو به ویژه لیگ قهرمانان آسیا مسئولان باشگاه خواستار تجدید نظر درباره انتخاب او باشند و دوباره به دنبال مذاکره با سرمربیان خارجی باشند.

حسن صائنی پور

ورزش آدم ها را از مرز کشورهایشان فراتر خواهد برد. این ارتقاء، باعث دانش افزایی و دانایی شده، و بهتر می توانند به امور خود مسلط شده، و به رستگاری برسند.

تراژدی استقلال و استراماچونی

پروژه بسیار طولانی سرمربی استقلال و فوتبال ایران، لایه های دیده نشده ورزش ایران را به همگان نشان داد. در واقع مدیریت، حلقه گمشده فوتبال ایران به عنوان بزرگترین پدیده روز جهان، می باشد. باید خروجی جلسه سرنوشت ساز و تعیین کننده مسئولان باشگاه استقلال که با حضور اسماعیل خلیل زاده، رحمان رضایی و علی خطیر و وکیل آندره آ استراماچونی در شهر دوحه برگزار شده است، را بطور دقیق و خردمندانه مورد بررسی قرار بدهیم. مهم نیست و مهم نخواهد بود که سرمربی استقلال به ایران برگردد، و یا به عبارتی با چه شرایطی برگردد. بلکه مهمتر از آن، موضع گیری های ریز و درشتی است که مسئولین از ایران تا مذاکرات دوحه داشته اند، می باشد. تراژدی استقلال و استراماچونی، ساه هاست که فوتبال ایران را تحت شعاع قرار داده و قرار نیست، به این زودی پایان یابد.

استغای رئیس فوتبال ایران

مهدی تاج، رییس فدراسیون فوتبال ایران، به دلیل بیماری از سمت خود استعفا داد. چالش

وصال روحانی

مجید نامجومطلق، محمود فکری، سهراب بختیاری‌زاده، مهدی پاشازاده، جواد نکونام و محمد خرمگاه فقط تعدادی از استقلایی‌های سابق هستند که امکان و توانایی هدایت آبی‌ها را در حال حاضر دارند، به آنها بیفزایید پرویز مظلومی را که هنوز برای این مهم پیر نشده و صمد مرفاوی را که شاید به کار آید. سیروس دین‌محمدی، علی سامره و محمد نوازی هم اگر برای پست اول مناسب نباشند، یک دستیار اول خوب از درون‌شان بیرون می‌آید و بیژن طاهری نیز در همین تعریف می‌گنجد و البته فرهاد مجیدی را هم فراموش نکنیم که ناپخته است اما شاید سه چهار سال بعد او نیز در ظرفیت‌های لازم ظاهر شود. نام ابر قلعهنویز نیز طی این ۲۰ سال همیشه با هدایت استقلال عجین و پیوسته کاندیدای بالقوه رهبری این تیم بوده است و اگر ناهای علیرضا منصوریان و جواد رزینچه را نیاوریم به این سبب است که اولی انتصاب بدی در سال‌های اخیر در جمع آبی‌ها پس داد و بازگشت او به این زودی‌ها امکان‌پذیر نیست و رزینچه هم در پی اتفاقات تلخ اخیر در استقلال رسماً مدعی شد که برای همیشه از استقلال رفته و دیگر به خانه سابقش باز نمی‌گردد.

بدون نیاز به اغیار

با چنین اوصاف و قدمداتی و وجود این همه مهره «خودی» و آبی‌های سابق و کنونی بسیار عجیب و دور از ذهن است که سران استقلال برای بازگرداندن آندره‌آ استراماچونی به تهران اینگونه لشکرکشی‌های ورزشی و سیاسی به کشورهای اطراف و همچنین ایتالیا کرده و خرج‌های بزرگی را متحمل شده‌اند. کشیدن ناز مردم در اندازه‌های استراماچونی حتی اگر این داعیه‌ا را داشته باشد که او از هفته ششم تا سیزدهم لیگ برتر نتایج خوبی گرفته، این ایراد را

گزارش امتیاز از حواشی فوتبال ایران؛

استراماچونی استقلال، شرایط کالدرون و خداحافظی تاج



های متعدد و ریز و درشت ماه های اخیر فوتبال ایران، با رفتن تاج، پیچیده تر و مبهم تر خواهد شد. وضعیت حساس تیم ملی در مرحله مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۲ که با دوشکست تلخ، این تیم را در جایگاه سوم گروه قرار داده است. و برکناری مارک ویلموتس از تیم ملی، در کنار داستان های منحصر به فرد تیم المپیک ایران، محتاج ثبات و تصمیم گیری هایی است. که می تواند با این اتفاق، دچار حواشی جدید تری گردد. به این مسایل باید؛ سفر ریاست فیفا جهت بررسی مسئله ورود باتوان به استادپوم ها و نیز مشکلات اخیر سرخابی های

پاینتخ را اضافه کرد. خروج تاج از کرسی ریاست فدراسیون فوتبال که به تازگی، از سایه تفکرات نیمه حرفه ای رهایی یافته بود و تلاش هایی نیز برای رفع مشکلات عدیده این ورزش، با حضور در هیات رئیسه ای اف سی انجام شده بود. خطر برگشت و دوباره بلا تکیلی در کنار داستان کالدرون به

انتخاب جانشین شایسته برای تاجداری فوتبال، در هفته های آتی، تمام مسایل آن را تحت شعاع قرار خواهد داد.

کالدرون و شرایط نامکن

سرمربی پرسپولیس، بسیار خوش شانس بود و به تاز

همه ثروت‌های فراموش شده استقلال

هم در بر دارد که آبی‌ها را در شرایطی وابسته اغیار و سایرین جلوه می‌دهد که واقعا چنین نیازی را نداشته و برای توفیق، فقط یک نفر (استراماچونی) را برای خود منصور و موجود ندیده‌اند. اگر استقلال به لحاظ داشتن مهره‌های متعدد و مستعد برای هدایت خویش دچار مشکل و دارای کمبود در این زمینه بود، می‌شد رفتارها و انتخاب‌ها و کارهایش را پذیرفت اما فهرستی که از نامزدهای بالقوه هدایت آبی‌ها در ابتدای مطلب آمد و داشتن نمایندگان دیگر در اینجا و آنجا و وجود آدم‌هایی در قواره پیروز قربانی و هادی طباطبایی که مدیران و سرپرستان بالقوه خوبی برای استقلال نشان می‌دهند، گویای این حقیقت است که آبی‌ها «یار» مورد نظر را در خانه دارند و بهبوده گرد جهان می‌گردند و بهترین «آب‌ها را برای نوشیدن دارند اما همچنان تشنه‌لب مانده‌اند.

غنی و کافی

همه اینها بدین معنای مستقیم و خدشه‌ناپذیر نیست که اگر هر یک از این افراد به قدرت برسند استقلال به اوج موفقیت دست خواهد یافت و رقبا را ساقط خواهد کرد اما شرایط موجود و ثروت‌های بالقوه‌ای که این باشگاه به لحاظ نیروهای انسانی و مربیان محتمل خویش دارد، چنان غنی و کافی است که معلوم نیست چرا اینطور دست روی دست گذاشته‌اند و در انتظار آمدن مردی هستند که حتی اگر بایاد با توجه به تنش‌های چند هفته اخیر و مسائلی که با جدایی خود از جمع آبی‌ها آفرید اطمینانی را فراهم نیاورده که به همان موفقیت‌های قبلی‌اش برسد. زمانی بیش می‌آید که یک تیم به هر دلیل و در مدت زمانی طولانی چنان وابسته که فرد می‌شود که می‌توان پذیرفت کل سیستم‌های کاری‌اش تا زمان تعیین تکلیف آن مرد معطل بماند و کاری انجام نشود اما وقتی مربی ایتالیایی گریزان

ویرانی، میراث استراماچونی

با نگاهی به داستان استقلال و استراماچونی در همین چند ساعتی که از انتشار خبر طلاق استراماچونی و استقلال گذشته اخبار و شایعاتی در مورد گزینه‌های احتمالی به میان آمده که به نظر می‌آید برخی از آن‌ها در اصل اغراض و امیال برخی از نزدیکان باشگاه است و برخی نام‌ها نیز پیشنهاد قابل توجهی است که باید علاقلنه در مورد آن‌ها فکر کرد. جدا از نام های، چون لورن بلان که به نظر تیرهای مشقی از سوی برخی مدیران ساده لوح هستند، اما شاید درآگان اسکوچیچ مناسب‌ترین گزینه برای حضور در استقلال باشد.

اسکوچیچ سال هاست که در هوای فوتبال باشگاهی ایران تنفس کرده و توانایی‌های خود را نیز نشان داده و در تایم طلایی باقی مانده تا شروع لیگ و مسابقات پلی آف لیگ قهرمانان آسیا می‌تواند بخش زیادی از بار رفته را به جوی بازگردانی. سرانجام ماجرای باشگاه استقلال و آندره آ استراماچونی به جدایی قطعی این مربی از باشگاه آبی‌ها منتهی شد. مناقشه چهار هفته‌ای میان باشگاه استقلال، استراماچونی و هواداران سرگردان و متوقع این تیم در نهایت با یک ایهام بزرگ و اینکه چرا مربی ایتالیایی زیر همه وعده هایش زد، به پایان رسید و حالا باشگاه استقلال باید با سرعت یک مربی را برای تیمش استخدام کند؛ آن قدر با سرعت که تا حد ممکن تاخیر و فترت یک ماهه گذشته جبران شود.

به نظر می‌آید مدیران باشگاه استقلال و حتی مقامات اصلی ورزش مملکت باید به سرعت تدبیر و چارهای بر مبنای عقل به کار گیرند تا آوار ناشی و ویرانی اخیر منجر به از بین رفتن این باشگاه نشود. به نظر می‌آید آوردن یک مربی خارجی برای استقلال اقدام درست تری نیست به خصوص که مربی داخلی هاست که در هوای فوتبال باشگاهی ایران تنفس کرده و توانایی‌های خود را نیز نشان داده و در تایم طلایی باقی مانده تا شروع لیگ

که در بد ترین روزهای تحمیل شده بر استقلال و در لایلای تکنیک های ناب آبادان، قهرمانی نیم فصل، لیگ نوزدهم را به هواداران تیمش هدیده داد. او هنگام پرواز به طرف آرژانتین، شمشیر را از رو بسته و با جملات خود، احتمال همکاری در پرسپولیس را ایهام آمیز کرد. شروط چند گانه کالدرون که تازه توانسته بود از زیر قراردادهای بیرون بیاید، شوک غیر منتظره ای را به قرمزهای پایتخت وارد کرد. دلخوری‌های او که در قضایای مربوط به بی توجهی ادامه دار باشگاه به تشریفات خروجش از ایران به اوج رسید. با اعلام شروطی برای ادامه همکاری با پرسپولیس جنجالی تر از همیشه شده است. کالدرون به صراحت از مدیران پرسپولیس خواسته که سرپرست جدیدی را برای حضور روی نیمکت پرسپولیس انتخاب کنند. و این بدان معناست که او مالیل به ادامه همکاری با افشین پیروانی نیست. پیروانی که سابقه سرپرستی تیم ملی را نیز در کارنامه خود دارد. نتوانسته است، به لحاظ فکری، ارتباط منطقی لازم را با سرمربی پیدا کرده و در این شرایط باید دید آیا بعد از گذشت دو ماه همکاری، نیمکت پرسپولیس دچار التهابی دوباره خواهد شد. در این بین گلایه کالدرون به علت عدم احترام مسئولین پرسپولیس به وی در کنار اخبار غیر رسمی مربوط به شرایط همکاری با بعضی از بازیکنان این تیم، و الزام وی به عدم استخدام بازیکن خارجی، نیم فصل دوم قرمزها را ویژه تر از هر وقتی کرده است.

و به تاز

و به تاز



آبی‌ها فقط ۵ ماه و اندی را در تهران سپری کرد و در پنج شش هفته اول نیز بسیار ضعیف عمل کرد چطور می‌توان اینطور به او دل بست و همه ثروت‌ها و آدم‌های شاخص فعلی استقلال را به فراموشی سپرده و یکی دو تا از آنها را به سرعت جانشین مرد غایب نکرد. این سوالی است که مدیران لرزان و کمی تا قسمتی پنهان باشگاه استقلال باید پاسخگوی آن باشند، البته اگر از شجاعت بیان آن بهرمند باشند. آنها بد نیست به این مورد نیز فکر کنند که چرا در میان غیری‌آبی‌ها و نفراتی که به اصطلاح «خودی» نیستند، درآگان اسکوچیچ را که طبق برخی اخبار جزو گزینه‌های جدی‌شان بوده، زیردست استراماچونی تلقی کرده و به این نتیجه نرسیده‌اند که این مرد کروات به سبب پنج سال کار و زندگی در ایران در دو مقطع زمانی شناخت بسیار بیشتری نسبت به استراماچونی از شرایط و کمبودهای ما دارد و همانطور که نتایج امسال صنعت نفت نشان می‌دهد از هنرهای لازم برای کسب بیشترین موفقیت با کمترین امکانات و نازل‌ترین پول برخوردار است.

و به تاز

و به تاز

و به تاز

و مسابقات پلی آف لیگ قهرمانان آسیا می‌تواند بخش زیادی از آب رفته را به جوی بازگرداند. البته اسکوچیچ در این لحظه، سرمربی صنعت نفت آبادان است و حتی مدیران باشگاه خوزستانی نیز ناراحتی خود را از بروز این شایعه ابراز کرده اند. حتی شنیده شده که این طرف و آن طرف صحبت از احتمال بروز ناراحتی و اعتراضی مردم آبادان در صورت حضور او در استقلال شده است، اما نکته قابل توجه این است که همین حالا در پیرامون باشگاه استقلال و تهران بزرگ احتمال اعتراضی واشوب وجود دارد. به هر حال ابهت و بزرگی استقلال آن قدر زیاد است که برگرداندن آن به آرامش و حالت عادی تاثیر بزرگتری بر فوتبال ایران نگذارد. در هر حال قوانین فوتبال درباره جابجایی مربیان سهل گیرانه‌تر از نمونه‌های مشابه بین بازیکنان است و خبرنگار فوتبال خوب می‌داند مربی‌ای که هوای رفتن دارد را نمی‌توان نگه داشت.

به زعم نگارنده به خدمت گرفتن اسکوچیچ از سوی استقلال می‌تواند کم خطرترین راه برای بازگرداندن کشتی استقلال به ساحل آرامش باشد؛ هر چند که در شرایط فعلی ریش و فیچی در دست مدیران مارگزیده باشگاه استقلال است که این روزها از ریسمان سیاه و سفید هم می‌ترسند. دست کم می‌توان این جور توصیه کرد که مصداق این مُثَل نشویم که: «بار در خانه و ما گرد جهان می‌گردیم!»



ها را پاسخ نداد تا به جدایی دائمی اش مهر قطعی بزند. حال سوال این است که آیا در این میان کسی استعفا خواهد داد و یا حداقل یک عذرخواهی ساده از هوادارانی که بیست روز با احساسات شان بازی شد انجام خواهد داد؟ آیا یکی از آن مدیرانی که خیلی راحت به دوربین نگاه می‌کردند و هرچه دلشان می‌خواست وعده می‌دادند یا در توییتر از خطرات خدمات شان توییت می‌کردند، صندلی خود را ترک خواهند کرد یا دوباره از شنبه صبح با آرامش بر آن تکیه خواهند زد؟ ای کاش آقایانی که چنین راحت بر سرمایه مادی و معنوی استقلال و فوتبال ایران چوب حراج زدند هم مثل استراماچونی دیگر بر سر کار خود حاضر نشوند تا بلکه ورزش ایران از دست شان نفسی بکشد و بتواند طلوع کند.

اخبار

ادعای عجیب؛ کارنامه دی بیاسی ضعیف بود!

پس از گذراندن کش و قوس های فراوان و بسته شدن پرونده استقلال و استراماچونی، مسئولان باشگاه استقلال از سه شنبه ظهر رایزنی هایی را با جیانی دی بیاسی سرمربی سرشناس ایتالیایی آغاز کردند.

به اصرار خلیل زاده و با دستور او و همانطور خود خلیل زاده خبر داده بود پس از ناامید شدن از پاسخ مثبت استراماچونی، خطیر سراغ دو گزینه ایتالیایی رفت. خطیر خیلی سریع سراغ مدیر برنامه های چپرو فرا را و دی بیاسی رفت و مذاکرات را پیش برد و پس از انجام توافقات اولیه، دی بیاسی شرایط استقلال را پذیرفت و تبدیل به یک گزینه جدی برای هدایت نیمکت استقلال شد.

او و دو دستیارش قرار بود برای یک و نیم فصل حضور در استقلال، ۷۵۰ هزار دلار دریافت کنند. در حالی که باشگاه استقلال حتی بلیت هواپیمای برای حضور این سرمربی در ایران را نیز در نظر گرفته بود اما در دقیقه ۹۰ مدیران استقلال ناگهان با یک چرخش ۱۸۰ درجه ای، به این نتیجه رسیدند که باید هدایت تیم استقلال را به گزینه ایرانی دهند و فرهاد مجیدی که پیش از این سرمربی گری استقلال را نپذیرفته بود، با اعلام رسمی رسانه باشگاه استقلال هدایت آبی ها را عهده دار شد.

اما دیپروز و پس از اعلام خبر سرمربی شدن فرهاد مجیدی، دو اتفاق جالب و درخور توجه رخ داد. مورد اول توییت خبرنگار سایت گاتزتا دلو اسپورت بود که با ادعایی جنجالی، پرده از منتفی شدن حضور دی بیاسی در استقلال برداشت و آشکارا عنوان کرد با وجود توافقات نهایی بین دو طرف، این مخالفت از سوی وزیر ورزش دولت ایران صورت گرفته و در نهایت فرهاد مجیدی به عنوان سرمربی استقلال انتخاب شد.

اتفاق جالب دیگر صحبت های اسماعیل خلیل زاده بود که درباره علل منتفی شدن ماجرای دی بیاسی توضیحاتی داده بود.

وی ادعا کرده بود که این گزینه در جلسه هیات مدیره باشگاه مورد بررسی قرار گرفته و اعضای هیات مدیره رای به حضور وی در تیم نداده اند! این ادعا درست به نظر نمی رسد چرا که مسئولان استقلال از روز سه شنبه و در واقع از زمانی که احساس کردند احتمال شنیدن جواب منفی از استراماچونی زیاد شده، به دنبال جذب دی بیاسی و فراا رفتند و کارهای جذب دی بیاسی هم تا حدود زیادی انجام شد و قرار بود نام این سر مربی رسماً اعلام شود اما فرهاد مجیدی به جای دی بیاسی سرمربی شد!

بررسی کارنامه دی بیاسی

خلیل زاده دیپروز و پس از توییت خبرنگار ایتالیایی که خبر داده بود سلطانی فر وزیر ورزش و جوانان با حضور دی بیاسی مخالفت کرد، گفت و گویی کرد و در صحبت هایش از کارنامه ضعیف جیانی دی بیاسی صحبت کرد و این مورد را یکی از دلایل منتفی شدن این انتقال اعلام کرد؛! حال سوال این است که اگر کارنامه این سرمربی ضعیف بوده چرا بیش از ۴۸ ساعت تلاش بی وقفه برای جذب این سرمربی صورت گرفته است؟!

ضمناً ادعای کارنامه ضعیف جیانی دی بیاسی هم قابل بررسی است چرا که او چندی پیش هم از گزینه های هدایت نیمکت تیم ملی ایتالیا بود. او جزو معدود مربی هایی است که توانست دو تیم مودنا و تورینو را به قهرمانی و دیل کردن،طی دو سال از سری C به سری A ایتالیا هدایت کند.

همینطور او در آلبانی محبوبیت فراوانی دارد چرا که برای اولین بار در تاریخ فوتبال آلبانی توانست این تیم را بدون شکست به مرحله نهایی یورو (۲۰۱۶) برساند و به عنوان تیم شگفتی ساز جام معرفی شود. دی بیاسی پس از شش سال موفقیت در تیم ملی آلبانی استعفا داد. لازم به ذکر است که او هرگز از تیمی اخراج نشده است.

او هم اکنون به اتفاق آنتونیو کونتِه عهده دار مدرسه فوتبالی است که استعداد های جوان فوتبال ایتالیا را مدیریت می کند.

دی بیاسی هدایت تیم‌هایی همچون کاپری، مودنا، برشا، تورینو، لوانته، اودینزه و تیم ملی فوتبال ایران را در کارنامه دارد.

او مجموعاً ۴ قهرمانی به دست آورده است و بدین ترتیب ادعاهای سرپرست باشگاه استقلال درباره رزومه ضعیف این سرمربی رد می شود. حتی تیم ملی ایران با تیم ملی آلبانی دیداری دوستانه برگزار کرده بود که آلبانی یک بر صفر پیروز شد.

مساله ای که روشن است این است که هواداران استقلال در یک ماه اخیر از عدم صداقت باشگاه با هواداران به شدت آزرده هستند و مدیران کنونی این باشگاه بهتر است برای جلب حمایت هوادارانشان، با آنان صادق باشند.

چیزی که استراماچونی به آن همیشه تاکید داشت که در باشگاه صداقت نیست، اکنون که نیکولو اسکیرا خبرنگار گاتزتا دلو اسپورت از دلیل اصلی نهایی نشدن پروژه دی بیاسی _ استقلال پرده برداری کرده است، بهتر است مدیران ما هم با هواداران رو راست باشند.

تخریب رزومه یک مربی سرشناس در عصر ارتباطات می تواند عواقب بدی برای آینده مدیران یک باشگاه داشته باشد. باشگاهی که کاسه صبر هوادانشان را لبریز کرده است! مطمئناً خلیل زاده هم از بالا تحت فشار بوده که چنین مصاحبه ای کرده و خواسته فشار توییت را از روی سلطانی وزیر ورزش و جوانان بردارد چرا که خلیل زاده پس از نه استراماچونی، به دنبال سرمربی خارجی برای استقلال بود که در نهایت پس از مخالفت با سرمربی خارجی، فرهاد مجیدی سرمربی استقلال شد. این در حالی است که جلسه هیات مدیره هم برای وتو کردن دی بیاسی تشکیل نشده بود!